

در محضر پیامبر

گفت و گویی صمیمانه با پیامبر اعظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله

به کوشش: هادی قطبی

گوش، زبان و دیگر اعضا و جوارح خود باشید تا به مقام سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و... برسید. برای ما معصومان هم زمینه و ابزار گناه وجود دارد، ولی معصیتی انجام نمی‌دهیم، چون ما به خواسته و رضای خدا می‌اندیشیم و حتی تصور نمی‌کنیم که بخواهیم در مقابل او بایستیم. ما رضای خدا را بیشتر از خواسته خودمان - حتی در کارهای خوب - دوست داریم و آن را مقدم می‌داریم.

شاید در گذشته، گناهان کم‌تری بوده و یا انجام آن برای افراد ممکن نبوده است. در این مورد چه صحبتی دارید؟

فراموش نکنید که در هر زمانی، زمینه‌های گناه به تناسب امکانات، افراد و استعدادها آن زمان مهیا و فراهم است. دین من، جاویدان است. اگر قرار باشد قوانین من فقط برای ۱۴۰۰ سال پیش باشد که برای انسان‌ها سعادت‌آور نخواهد بود. گناه نکند تا سعادت‌مند شوید. ریشه بیماری‌ها و گرفتاری‌ها، گناه است. اگر انسان در تربیت خود و فرزندانش دقت کند، نفس او در مقابل گناهان مقاوم خواهد شد.

خداوند هم از احوال ما آگاه است. او می‌داند شما در چه شرایطی هستید و اگر شیطان را آفریده، راه نجاتی هم قرار داده است.

مثلاً خوش‌اخلاقی که می‌تواند از صفات بسیار نیک هر انسانی باشد، ربطی به عصمت ندارد.

چه کارهایی، اعمال نیک ما را محو و نابود می‌کند؟ آیا ممکن است یک گناه، سرنوشت کسی را تغییر دهد؟

بله، برخی از گناهان، انسان را نابود می‌کند. مثل فردی که گرفتار عاق والدین شود که دیگر «هر عملی انجام دهد، وارد بهشت نخواهد شد»؛ حتی نمازش که بهترین عمل اوست، پذیرفته نمی‌شود. پس چگونه امید دارد اعمال دیگرش پذیرفته شود!

همین‌طور درآمدهای حرام مانند ربا، مال یتیم، حق‌الناس و... که «خورنده لقمه حرام، تا چهل شبانه‌روز نمازش قبول نمی‌شود و در این مدت، دعایش مستجاب نمی‌گردد، و هر گوشتی که از حرام برآید، آتش دوزخ بر آن سزاوارتر است».

باز در جایی گفته‌ام: «شش چیز است که اعمال نیک را نابود می‌کند: مشغول شدن به عیب دیگران، سنگدلی، دنیاپرستی، بی‌شرمی، آرزوی بلند و ستمی که تمامی نداشته باشد». بنابراین باید خیلی مواظب بود. انجام گناه، ممکن است باعث تسلط فرد گمراهی بر انسان شود، تا آن‌جا که او، ولایت، امامت و نبوت را انکار کند، که در نهایت، به انکار خداوند، کفر و الحاد بینجامد».

آیا لازمه گناه نکردن، داشتن مقام عصمت نیست؟

این‌طور نیست. فقط باید اندکی مراقب چشم،

برخی، گناهان را کوچک می‌شمارند و بعضی، از ارتکاب گناهان کوچک، ابایی ندارند و معتقدند خداوند متعال این‌گونه گناهان را به راحتی می‌بخشد. نظر مبارک شما چیست؟

خداوند متعال، گناهان را در صورتی که آن‌ها را کوچک و سبک نشماریم و تکرار نکنیم، می‌بخشد. البته باید توجه داشت که خداوند فرموده است: «اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی شده‌اید اجتناب کنید، از دیگر بدی‌هایتان می‌گذریم». در واقع گناه، ایستادن در برابر خداست و این کار، کوچک و بزرگ ندارد. پس «کوچکی گناه را نبینید، بلکه ببینید به چه کسی گستاخی کرده‌اید». گناهان کوچک، راهی به سوی گناهان بزرگ‌تر هستند و «شیطان از گناهان کوچک نیز خوشحال می‌شود».

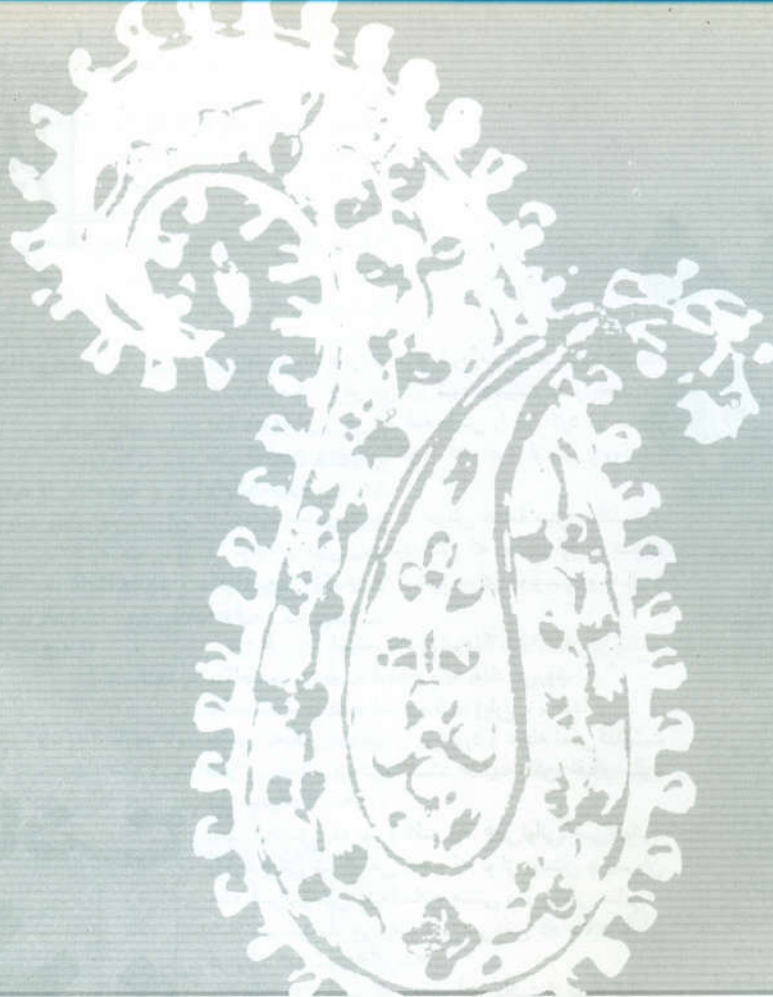
در نظر شما مصادیق بدترین گناهان چیست؟

گناهان کبیره، از همه بدترند. گناهانی مثل: شرک به خداوند، عاق والدین، آدم‌کشی، قسم دروغ، غافل بودن از عذاب الهی، ناامیدی از رحمت خدا، قطع صلۀ رحم، شراب‌خواری، قمار، نواختن موسیقی حرام و گوش دادن به آن، دروغ، سوگند و گواهی دروغ، پیمان‌شکنی، خیانت در امانت، دزدی، کم‌فروشی، کمک به ستمگر، سحر، اسراف، غرور، جنگ با مسلمان، ترک نماز، سخن‌چینی، مردم‌آزاری، حسد، هتک قرآن، کعبه و مساجد، تهمت، غیبت، فرار از جهاد، رباخواری، خوردن مال یتیم و...



شماره ۷۳





دردار آشنا/شهر

آیا راه دیگری هم برای جبران گناه وجود دارد؟

توبه، یک اصل است، اما خداوند، راه دیگری نیز نشان داده است و آن، این که: «نیکی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد». به همین خاطر، توصیه می‌کنم: «هرگاه کار بدی کردی، کار خوبی انجام ده تا آن بدی را پاک کند». برخی از آن نیکی‌ها عبارتند از: «صداقت، شرم، خوش‌خویی و سپاسگزاری». همچنین انجام برخی از مستحبات، مثل غسل جمعه و زیارت اماکن شریفه.

یک بار، مردی نزدم آمد و گفت: «گناهانم زیاد و اعمالم سست و اندک شده است؛ چه کنم؟» به او گفتم: «زیاد سجده کن، زیرا هم‌چنان که باد، برگ درختان را می‌ریزد، سجده نیز، گناهان را می‌ریزد». فرد دیگری هم به من گفت: «هیچ کار زشتی نیست که نکرده باشم. آیا راه توبه باز است؟ به او توصیه کردم: به پدرت نیکی کن، اما ای کاش مادر می‌داشت و به او نیکی می‌کرد، چون ارزش کارش بیشتر می‌شد.

هم‌چنین، خواندن نماز نیز در از بین بردن گناهان مؤثر است، در حقیقت، «نماز، همانند آب جاری است که گناهان را محو می‌کند». گرفتاری‌ها، بیماری‌ها، اندوه‌ها، و مرگ برای خوبان اتمم، کفاره گناه محسوب می‌شود.

توبه نصوح کنید. «توبه نصوح، پشیمانی از گناهی است که مرتکب شده‌ای و آمرزش خواستن از خداست و این که هرگز به آن گناه باز نگردی».

«نشانه توبه‌کننده واقعی، چهار چیز است: اخلاص در عمل برای خدا، رها کردن باطل و گناه، پای‌بندی به حق و شوق به انجام نیکی‌ها». اگر کسی خواست توبه کند، باید این چهار نشانه را در خود ببیند، وگرنه توبه‌اش واقعی نیست.

برای‌مان بفرمایید، از کجا بفهمیم که توبه ما قبول شده یا نه؟

«هرگاه بنده‌ای توبه کند، ولی صاحبان حقوق مالی را از خود راضی نکند، تائب نیست؛ هرکس توبه کند، ولی به عبادتش نیفزاید، تائب نیست؛ و کسی که توبه کند، ولی لباس معصیت را عوض نکند، تائب نیست؛ و آن که توبه کند، ولی دوستان گنه‌کارش را عوض نکند، تائب نیست؛ و هر آن که توبه کند، ولی قلبش را به روی حقایق باز نکند و در مقام انفاق برنیاید، تائب نیست؛ و هرکس توبه کند، اما آرزویش را کوتاه و زبانش را حفظ نکند، تائب نیست؛ و هر آن که توبه کند، ولی بدنش را از غذای اضافی تصفیه نکند، تائب نیست. وقتی آن شخص، بر این خصلت‌ها مداومت داشته باشد، تائب است».

اگر «بنده‌ای در عبادت ضعیف باشد، با اخلاق نیکش، در آخرت به درجات بزرگ و منزلت‌های والا دست خواهد یافت».

شما فرموده‌اید برخی از گناهان، در این دنیا کيفر دارد. لطفاً در این باره برایمان توضیح دهید.

به عنوان مثال: «... اگر کم‌فروشی زیاد شود، قحطی و کمبود پدید می‌آید. اگر زکات اموال پرداخت نکرد، زمین دیگر برکتی برای زراعت و معادن نخواهد داشت. اگر صله رحم قطع شود، ثروت‌ها در دست اشرار قرار می‌گیرد. اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، اشرار بر مردم مسلط می‌شوند و هر چه خوبان دعا کنند مستجاب نمی‌شود».

با توجه به این سخن، ممکن است برخی، به خاطر گناهان خویش، از عاقبت به خیری خود مأیوس شده باشند. راه جبران و نجات برای آنانی که در گذشته، گناهان زیادی انجام داده‌اند، چیست؟

من پیوسته گفته‌ام: «درد شما گناه، و درمان آن استغفار است». باید توبه کرد، همه آدمیان خطا می‌کنند و بهترین آنها، توبه‌کارانند» و کسی که توبه می‌کند، مانند کسی است که گناهی نکرده است؛ مخصوصاً جوان‌ها که (هیچ‌کس نزد خدا، محبوب‌تر از جوان توبه‌کار نیست».

درباره توبه، بیشتر برایمان بفرمایید.